مقابله: رویارویی

دلاوران: شجاعان

خستگی ناپذیر: نیروهایی که به آسانی خسته نمی شوند

بی وقفه: بدون توقف

تکبیر: الله اکبر گفتن

گذرگاه: محل عبور

سقا: کسی که به تشنگان آب می دهد

پیک: نامه رسان

انتظار: منتظر بودن

پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

مقابله، راهی میدان نبرد کرد. فریاد حسین از هر طرف شنیده می شد: «دست خدا با ماست. بجنگید دلاوران.»

نیروها، خستگی‌ناپذیر و با شجاعت به جلو می رفتند. حسین بی وقفه، دشمن را زیر رگبار گلوله گرفته بود. دژِ دشمن، شکسته شد. فریاد تکبیر نیروهای ایرانی، دشمن را به وحشت انداخت.

نیروهای دشمن، پا به فرار گذاشته بودند. شلچه این بار برایشان نه گذرگاه، که گورستانی شده بود. وقتی حسین، شهر مظلوم را دید به یاد شهدایی افتاد که دوست داشتند آزادی خرّمشهر را ببینند؛ به یاد شهید «بهنام محمّدی» افتاد که در سنگرهای خرّمشهر سقایی می‌کرد.

برادر خرّازی! بچّه ها می‌گویند: «فرماندهان دشمن، هر سربازی را که بخواهد تسلیم شود با گلوله می‌زنند!»

حسین، نگاهی به پیکی که خبر آورده بود، انداخت. صورتش خاک‌آلود و لب‌هایش خشک بود. به طرفش رفت و او را در آغوش گرفت. نوجوان بسیجی، سرش را به سینه‌ی حسین گذاشت. انگار روزهای زیادی انتظار چنین

